

# وابستگی حرفه‌ای قوه قضائیه و مقررات مربوط به تعزیرات حکومتی

از: اصغر قیّم اصغری



اشاره:

در چند ماه اخیر، در چند مورد، در شهرستانهای دور و نزدیک، و نیز تهران، این معنی که آیا نظارت و بررسی بر اجرای تعرفه‌های اعضای وابسته‌ی سازمان قضایی کشور از قبیل وکلاء دادگستری، کارشناسان و سردفتران هم در محدوده مقررات تعزیرات حکومتی و حوزه صلاحیت مجریان آن مقررات است یا این که در محدوده مقررات انتظامی حاکم بر این مشاغل و دادگاه‌ها و دادرسی‌های آنهاست، پرسش‌هایی را موجب شده بود. و هر چند که در همان آغاز عنوان این‌گونه پرسش‌ها، نظر به اصل تفکیک قوا و مبدأ اساسی عدم دخالت قوه مجریه در قوه قضائیه، همگان بر منفی بودن پاسخ چنان سؤالات و حاکمیت مقررات انتظامی این مشاغل بر امر اجرای تعرفه‌ها اتفاق نظر داشتند، اما چون اطلاع از نحوه استدلال چنین قضیه‌ای خالی از فایده نیست، در سطور آتی به نشر اظهارنظر یکی از حقوقدانان محقق در زمینه مساله فوق می‌پردازیم:

پژوهشگاه علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

هر چند ابتدای رسالت مبشران فلاح و رستگاری، صاحبان شرایع و مکاتب هدایت بشریت به مدینه فاضله و تمشیت امور آنها بر اساس ارزش های فطری است. با این حال معلوم نیست چرا در گستره تاریخ، تمدن و حقوق هر قدر انوار دانش و فرهنگ در میان انبای بشر تابناک تر می شود مبانی اخلاقی و دیانت متزلزل تر می گردد و مفاهیم ارزشی چون عدل و انصاف، امانت و وثاقت، اعتماد و اطمینان و سایر وثایق امنیت جامعه و میراث ثمین اسلاف صالح از ساحت معاش و عرصه حیات انسان معاصر رخت می بندد و بدگمانی، تعدی تجاوز جانشین میراث بشریت شده است. در این میان بدترین شکل و هیأت مفاهیم ضد ارزش بصورت تخلفات اقتصادی پدیدار گردیده که خود ظلم مضاعف است.

مدیران امور و رهبران جوامع انسانی در اعصار و امصار مدنیت در مقام مقابله با این اعمال ضد ارزشی راه به جایی نبرده و نمی برد. آن ها چند صباحی با حربه محتسب و چند روزی به شلاق داروغه و عسس و گاهی به تیغ جلاد به مصاف این پدیده ضد اجتماعی رفته و پس از هم آوردی و زور آزمایی چند خصم را هزیمت یافته تلقی کرده و خود را در کنج عافیت آرمیده دیده اند غافل از این که خصم غدار در شکل و شمایل دیگری عیان خواهد شد. تحولات اجتماعی، سیاسی دو دهه اخیر تاریخ کشور جمهوری اسلامی موجب تغییر اوضاع و احوال اقتصادی کشور شده و به تبع این تحولات بنیادین اعمال ضد ارزشی و اقدامات ضد اجتماعی هم متحول گردیده است.

تدابیر مدیریت اجرایی و قضایی به اتکاء به قدرت نهادهای اداری و با استفاده از اهرمهای متعارف در مقام مقابله با حیل متقلبان و کید مکاران و متخلفان اقتصادی چندان مؤثر نبوده استمرار این روند جامعه را با معضل و مشکلی مواجه ساخته که به تشخیص رهبری نظام حل آن به طریقی فوق روشهای متعارف نیازمند است. لذا با ارجاع امر به مجمع تشخیص مصلحت نظام<sup>(۱)</sup> موضوع در جلسه ۷۳/۷/۱۹ آن مجمع مطرح شد و با تصویب اصلاح مصوبه تعزیرات حکومتی مورخه ۱۳۶۷ شیوه دیگری برای مقابله با سودجویان و متخلفان اقتصادی اتخاذ گردید مجمع مذکور بدین منظور به موجب ماده واحده مصوبه ۷۳/۷/۱۹ اختیارات لازم را به قوه مجریه تفویض می کند و مقرر می دارد: «با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت گذاری و توزیع کالا، اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیر دولتی اعم از امور بازرسی و نظارت، رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت محول می گردد تا بر اساس جرائم و مجازات های مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ اقدام نماید<sup>(۲)</sup>». در اجرای مقررات این مصوبه و به استناد تبصره ۲ آن، طبق تصویب نامه شماره  $\frac{۴/۷۳/۵۲۰۲}{۷۳/۷/۲۳}$  هیات وزیران سازمان و تشکیلات امور تعزیرات حکومتی موضوع مصوبه ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام را در قالب دو سازمان مستقل به نام سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات در وزارت بازرگانی و سازمان تعزیرات حکومتی تحت نظر وزیر دادگستری تأسیس و مقرر می شود که طبق ماده یک<sup>(۳)</sup> تصویب نامه مذکور امور بازرسی و نظارت مستمر در اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع و تخلفات تعزیرات

۱- بند ۸ اصل ۱۱۰ و اصل ۱۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجموعه قوانین سال ۱۳۶۸ صفحه ۴۶۰

و ۴۶۱

۲- قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ جمع تشخیص مصلحت نظام، مجموعه

قوانین سال ۱۳۷۳ صفحه ۵۰۷

۳- تصویب نامه شماره  $\frac{۳/۷۳-۵۲۰۲}{۷۳/۷/۲۳}$  هیات وزیران در خصوص تعیین سازمان و تشکیلات تعزیرات حکومتی

مجموعه قوانین این سال ۱۳۷۳ صفحه ۵۱۴

حکومتی به سازمان بازرسی و نظارت محول و امر رسیدگی و صدور حکم راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی به سازمان تعزیرات حکومتی واگذار می‌گردد و چگونگی تشکیل سازمان‌های مذکور و نحوه انجام وظیفه موکول به تنظیم و تصویب آئین‌نامه هیأت وزیران می‌شود. بر اساس رویه موجود سازمان بازرسی و نظارت به عنوان مرجع تحقیق و تعقیب به مانند دادسرا و سازمان تعزیرات حکومتی به مثابه دادگاه انجام وظیفه می‌کند.

وظایف و اختیارات سازمان بازرسی و نظارت در ماده ۳ آئین‌نامه اجرائی موضوع تصویب‌نامه شماره  $\frac{40731}{73/8/2}$ <sup>(۱)</sup> معین و مقرر گردیده است. به موجب بند ۱ ماده مذکور از جمله وظایف این سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات مشمول در کلیه بخش‌ها اعم از تولیدات و واردات آن‌ها است.

نظر به مقررات بند مرقوم، وظایف و اختیارات سازمان در امر بازرسی و نظارت منحصر به کالا و خدمات مشمول آن است و چون مستنبط از مصوبه ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام - ناظر به مصوبه ۶۷/۱۲/۲۳ آن - شمول مقررات مصوب مستلزم تعیین مصادیق و موارد شمول و محدوده تسری آن به کالا و خدمات معین است و این امر بر عهده قوه مجریه واگذار گردیده، هیأت وزیران (قوه مجریه) به استناد اختیارات ناشی از مصوبه فوق‌الذکر و بر اساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی به شرح مصوبه به شماره  $\frac{40214}{73/7/23}$  تشکیل ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار را تصویب و اختیارات رئیس جمهوری و هیأت وزیران در مورد برنامه‌ریزی، پشتیبانی ایجاد و هماهنگی و نظارت در تامین، توزیع کالاهای اساسی، حساس و ضروری کشور.... و هم‌چنین تنظیم عرضه کل از طریق کنترل صادرات یا فراهم کردن تسهیلات کافی برای واردات کالا، سازمان‌دهی شبکه‌های توزیع، تعیین ضوابط لازم در توزیع کالا، استفاده از شبکه‌های

۱- آئین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی موضوع تصویب‌نامه شماره  $\frac{40731}{73/8/12}$  و آئین‌نامه اجرائی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۰۷۳۱ هیأت وزیران مجموعه

خصوصی، تعاونی، عرضه مستقیم و زنجیره‌ای و ... به آن ستاد واگذار و مقرر می‌دارد که تصمیمات آن در موارد مذکور در حکم تصمیمات رئیس‌جمهور و هیأت وزیران است بنابراین آن چه به بحث حاضر مربوط می‌شود عبارت است از این‌که:

الف: آیا سازمان بازرسی و نظارت بر اساس اختیارات و وظایف خود مجاز به بازرسی امور و فعالیت تشکلهای قانونی وابسته به قوه قضائیه - از قبیل کانون وکلای دادگستری، کانون سردفتران و دفتریاران، کانون کارشناسان رسمی دادگستری و مترجمان رسمی و افراد و واحدهای زیر مجموعه آنها است تا نسبت به تعقیب تخلفات آنها و در خواست صدور حکم علیه واحدها و افراد مذکور، در سازمان تعزیرات حکومتی اقدام کند؟

ب: آیا مقررات تعزیرات حکومتی و مصوبات ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، قوانین حاکم بر قوانین عادی و ناسخ مقررات ناظر به ایجاد و اداره فعالیت تشکلهای وابسته به قوه قضائیه بوده و موجب تعطیلی مراجع انتظامی آنها است؟  
برای ایضاح بیشتر موضوع در بدو امر باید جایگاه قوه قضائیه و تشکلهای وابسته به آن تشریح و مشخص شود.

به موجب اصل ۵۷<sup>(۱)</sup> قانون اساسی، قوای حاکم در نظام جمهوری اسلامی عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که قوای مذکور مستقل از یکدیگرند، به موجب اصل ۱۵۶ همان قانون وظیفه قوه قضائیه عبارت است از:

۱: رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌نماید،

۲: احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع،

۳: نظارت بر حسن اجرای قوانین،

۴- کشف جرم و تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون

جزائی اسلام،

۵: اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین،

به طور نوعی وظایف عمده قوه قضائیه اعمال حاکمیت قضایی و قانونی جمهوری اسلامی ایران از طریق محاکم دادگستری و سایر مراجع قضایی - طبق تصریح قانون اساسی و سایر قوانین آئین دادرسی و موجد صلاحیت است.

نحوه درخواست احقاق حق و اعلام بطلان باطل در مراجع قضایی، ارائه و اداره دلایل در مراجع مذکور، به طوری است که طرفین اختلاف و مراجع قضایی از خدمات و اقدامات خبرگان، کارشناسان، مترجمان و محرران اسناد و وکلای دادگستری بی‌نیاز نیستند و نقش بارز و تأثیر شگرف این افراد در سرنوشت حقوق مردم و تکالیف و وظایف محاکم موجب گردیده تا به موازات قانونمندی حق و عدالت، قضا و قضاوت و فعالیت و تکالیف وابستگی مذکور نیز قانونمند شود؛ زیرا ضرورت فعالیت آن‌ها در کنار محاکم قضایی به قدری بدیهی است که تصور اتخاذ تصمیم بدون جلب نظر آن‌ها بعید به نظر می‌رسد و رویه قضایی و سیره مقنن بدون اظهار نظر یا دخالت آن‌ها در امور محاکم و دعاوی مطروح تصمیمات قضایی را مقبول و معتبر نمی‌داند. ذکر موارد زیر به عنوان روند عمومی عمل قانونگذار بر استفاده از تخصص خبرگان ما را از اقامه دلیل و برهان در این باره مستغنی می‌سازد.

الف - رای وحدت رویه قضایی صادر شده از هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره  $\frac{۱۵}{۶۳/۶/۲۸}$  راجع به ضرورت مداخله وکیل در محاکم کیفری که به جرایم خاص رسیدگی کند.

ب - آراء شماره  $\frac{۳۱۳۵}{۳}$  ،  $\frac{۷۷۸}{۳}$  ،  $\frac{۲۹۵۷}{۴}$  ،  $\frac{۲۲۳۱}{۱}$  ،  $\frac{۳۱۴۵}{۱}$  ،  $\frac{۹۷۷}{۲}$  ،  $\frac{۶۷۵}{۵}$  ،  $\frac{۱۷}{۱۲/۲۸}$  ،  $\frac{۲۱}{۹/۲۰}$  ،  $\frac{۱۸}{۱۲/۲۸}$  ،  $\frac{۱۸}{۱۲/۱۴}$  ،  $\frac{۲۸}{۵/۱۱}$  ،  $\frac{۳۵}{۵/۱۱}$  ،  $\frac{۱۹}{۴/۳۴}$  (۱) شعب دیوان عالی کشور راجع به ضرورت اظهار نظر کارشناس در دعاوی مطروح.

۱- مجموعه رویه قضایی احمدمتین سال ۱۳۳۰ قسمت حقوقی صفحه ۲۸۶

۲- مجموعه رویه قضایی احمد متین سال ۱۳۳۰ قسمت جزایی صفحه ۲۵۴ و ۲۵۵.

ج- مقررات ماده ۴۶، ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت راجع به اعتبار اسنادی که باید طبق اصول و مقررات قانونی به ثبت برسند.

علاوه بر این به اعتبار ارزش و موقعیت نظرات و اقدامات وابستگان قوه قضائیه است که قانونگذار با تلقی خاصی از آنها تصدی و اداره امور خدمات مذکور را منوط به تحصیل جواز و پروانه خاص کرده و در برخی موارد، اقدامات بدون مجوز و تظاهرات خلاف واقع را جرم و مستوجب تعقیب کیفری اعلام کرده است، مثل مقررات ماده ۵۵<sup>(۱)</sup> قانون وکالت و ماده ۵ قانون اصلاح ماده ۳ قانون راجع به ترجمه اظهارات و اسناد در محاکم<sup>(۲)</sup>.

علاوه بر این، در فرض اثبات و احراز صلاحیت و تحصیل جواز و پروانه قانونی، ملکه صلاحیت علمی اخلاقی در به انجام رساندن شئون شغلی و سایر شرایط و صلاحیت قانونی، در طول سنوات فعالیت باید قرین مباشران خدمت و رفیق طریق آنها باشد. در صورت فقدان یکی از شرایط و ارکان صلاحیت تعلیق وضعیت یا انفصال از تصدی وظایف قانونی، امری حتمی است و اصولاً رعایت مقررات، قوانین، نظامات عمومی و سایر مقررات ناظر به وظایف و تکالیف وابستگان مذکور از قواعد آمده و الزامات حرفه‌ای آنها است و تخلف از آنها علاوه بر تعقیب کیفری و لزوم جبران خسارت زیان دیده، موجب تعقیب انتظامی - با شرایط مقرر در قوانین ذی‌ربط - است. وقتی که تجویز فعالیت و ارائه خدمت و نحوه آن و نیز میزان حق الزحمه، حق التحریر، حق الوکاله، دستمزد و امثال آن به حکم قانون و بر اساس تعرفه‌های قانونی مقرر و محاسبه می‌گردد، بدیهی است که تخلف از تعرفه‌ها سایر وظایف و تکالیف قانونی باید مستوجب تعقیب کیفری، حقوقی، انتظامی و اداری باشد و با فرض ضرورت تنقید آنها به قوانین و وجود ضمانت اجرای قانونی به تخلفات احتمالی، تعیین مرجع رسیدگی و اتخاذ تصمیم از بدیهی‌ترین اموری است که مقنن بایست در مقام بیان آن بوده

۱- مجموعه قوانین و مقررات حقوقی باهتمام قوه قضائیه صفحه ۵۴۱

۲- مصوب ۷۶/۴/۲۴ مجلس شورای اسلامی



باشد. بدین سبب در تمام قوانین مربوط به وابستگی قوه قضایی قانون‌گذار، ضمن تعیین تکلیف و وظایف آن‌ها مرجع تعقیب انتظامی و سایر مراجع قانونی امورشان را مشخص و معین نموده است که دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا، کارشناسان رسمی، سردفتران و دفترباران دفاتر اسناد رسمی و مرجع انتظامی مترجمان رسمی از مصادیق آن است<sup>(۱)</sup>. قوانین حاکم بر این مراجع و مقررات ناظر به سازمان، شکل و شیوه رسیدگی به جرایم و تخلفات، نیز مجازات‌ها حسب نظر شورای نگهبان<sup>(۲)</sup> از جمله قوانین معتبر و قابل استناد و اجراء بوده بسیاری از قوانین مذکور که توسط مجلس شورای اسلامی بازنگری و تفسیر و اصلاح شده و متکی به نظر استصوابی شورای نگهبان است که خود در انطباق مقررات مذکور با موازین شرع انور و اصول قانون اساسی فصل الخطاب تمام مباحث و نظرات است. از جمله این مقررات قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت، قانون اصلاح ماده ۳ قانون ترجمه اسناد و اظهارات در محاکم، قانون تفسیر ماده ۴۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران را می‌توان نام برد.

ملاحظه می‌گردد که مباشرت به حرف و مشاغل وابسته به قوه قضائیه و تصدی امور مربوط به آن‌ها و ارائه خدمات مورد درخواست مراجع قضایی و نیز انجام دادن اقداماتی که مراجع قضایی را در احقاق حق و اعلام بطلان باطل یاری و مساعدت کند منوط به اجازه قانون و تحصیل جواز قانونی است و تکالیف - وظایف و حدود اختیارات و صلاحیت متصدیان را قانون معین می‌کند و حتی ما به ازای مالی خدمات ارائه شده نیز بر مبنای تعرفه‌های قانونی محاسبه می‌گردد و در تبادل اقدامات خلاف مقررات، متصدیان حرف مذکور دارای مسئولیت مدنی، کیفری و انتظامی‌اند.

۱- ماده ۴۶ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ و ماده ۱۳ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ و ماده ۳۲ قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴ و ماده ۱۵ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۵۸، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی به اهتمام قوه قضائیه صفحه ۵۳۹، ۵۵۷، ۶۰۶ و ۹۴۳ و ماده ۵ قانون اصلاح ماده ۳ قانون ترجمه اسناد و اظهارات در محاکم مصوب ۷۶/۴/۲۴.

۲- نظریه مورخه ۶۱/۷/۱۷ شورای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مجموعه نظریات صفحه ۲۰۸

با توجه به موارد مذکور می‌شود پرسید آیا اختیارات مصرح در مصوبه ۷۳/۷/۱۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام ناسخ همه قوانین و مقررات فوق‌الذکر بوده، موجد حق و صلاحیت بازرسی و نظارت بر امور مشاغل وابسته به قوه قضائیه توسط سازمان بازرسی و نظارت و تعقیب آن‌ها از طریق سازمان تعزیرات حکومتی است یا خیر؟

بنابر این اختیارات سازمان بازرسی و نظارت و سازمان تعزیرات حکومتی منبث از اختیارات واگذاری به موجب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام به قوه مجریه است و آنچه در مصوبه مجمع به صراحت به قوه مجریه تفویض گردیده اعمال مقررات مربوط به تعزیرات حکومتی بر اساس مصوبه ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است و لاغیر، و سازماندهی تشکیلات مربوط به تعزیرات حکومتی بر اساس مصوبه هیأت وزیران و اختیارات واگذاری از طرف قوه مجریه به ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار طراحی و مدون گردیده است. در نتیجه به نظر می‌رسد مقررات مصوب در مجمع، استثنای وارد بر اصول قانون اساسی و صلاحیت عام مراجع قضایی است که بر اساس ضرورت تدوین و اجرای آن به وسیله قوه مجریه تجویز گردیده است و طبق اصول کلی، دایره شمول استثنا بر اصل محدود به نص و نظر شارع بوده، در موارد شک باید اکتفا به قدر متیقن کرد. در مانحن‌فیه آنچه از مصوبه مجمع برمی‌آید نظارت و بازرسی بر کالا و خدمات، تولید و توزیع آن‌ها توسط قوه مجریه است و طبق بند ۱ ماده ۳ آئین‌نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت مقررات تعزیرات حکومتی فقط در مورد کالا و خدمات مشمول، قابل اعمال است که کالا و خدمات مشمول نیز براساس تصویب و اعلام ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار معین و مشخص می‌گردد.

لذا چون اولاً مقررات تعزیرات حکومتی و مصوبات ستاد تنظیم بازار نص صریحی بر عدول از مقررات حاکم بر وابستگان قوه قضائیه ملاحظه نمی‌گردد و دلیلی که حاکی از نسخ صریح یا ضمنی مقررات مذکور باشد به نظر نمی‌رسد، از این رو جواز قانونی که دخالت سازمان بازرسی و نظارت، و سازمان تعزیرات حکومتی را توجیه کند، وجود ندارد.

ثانیاً خدمات ارائه شده توسط وابستگان دادگستری هیچ‌وقت در مقررات و قوانین و

تعابیر عرفی اصطلاحی از مصادیق اقتصادی تجاری تولیدی محسوب نگردیده و ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار متعرض خدمات مذکور به عنوان خدمات مشمول نگردیده و رأی وحدت رویه شماره  $\frac{۶۰۷}{۱۳۷۵/۶/۲۰}$  هیأت عمومی دیوان عالی کشور<sup>(۱)</sup> فعالیت و ارائه خدمات موصوف را غیر تجاری و فقط علمی تلقی کرده است.

ثالثاً عموم و اطلاق مقررات تعزیرات حکومتی و مصوبات ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، دلالت بر نسخ قوانین ناظر بر وابستگی قوه قضائیه ندارد، حتی با وجود این که شورای نگهبان به شرح نظریه شماره  $\frac{۱۳۵۲}{۷۴/۱۰/۲}$ <sup>(۲)</sup> مجلس شورای اسلامی را مجاز به تصویب قوانین مغایر مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌داند، معترض مصوبات مجلس شورای اسلامی در خصوص قوانین مراجع انتظامی فوق‌الذکر نگردیده، بلکه مصوبات مجلس شورای اسلامی را تأیید کرده است. علیهذا با توجه به این که وظایف و تکالیف وابستگی مذکور به موجب قانون بوده و مرجع رسیدگی به تخلفات آن‌ها از مقررات قانونی نیز در مقررات جاری به نحو منصوص مشخص گردیده است با وجود بقای اعتبار قانونی و مرجع رسیدگی کننده، سلب صلاحیت از مراجع صالح و ایجاد صلاحیت برای سازمان‌های تعزیرات حکومتی، و بازرسی و نظارت نیازمند محمل قانونی است که وجود ندارد.

رابعاً قوانین انتظامی و صلاحیت مراجع انتظامی از جمله مقررات خاص است و مقررات تعزیرات حکومتی نسبت به آن‌ها، وصف قوانین عام دارد و براساس قواعد فقهی و آرای وحدت رویه قضایی شماره  $\frac{۲۱۲}{۵۰/۸/۶}$ <sup>(۳)</sup> و  $\frac{۲۹/۵۹}{۶۰/۱/۱۵}$ <sup>(۴)</sup> هیأت عمومی دیوان

۱- مجموعه قوانین سال ۱۳۷۵، ص ۶۴۸.

۲- نظریه شورای نگهبان در خصوص مغایرت مصوبه مجلس راجع به بخش تخلفات اقتصادی، لایحه مجازات اسلامی، کتاب تعزیرات با مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۳- آراء وحدت رویه قضایی ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶، نشر روزنامه رسمی کشور، ص ۱۱۵.

۴- آراء وحدت رویه قضایی ۵۹/۸/۲۸ الی ۶۳/۴/۱۲، نشر اداره کل آموزش دادگستری جمهوری اسلامی

عالی کشور و نظریه شماره  $\frac{۶۵۰}{۷۵/۴/۱۲}$  (۱) شورای نگهبان، قانون عام ناسخ قانون خاص نیست، بلکه هر یک در محدوده مشخص خود به اجراء در می آید.

خامساً علی‌رغم موارد مستدل فوق چنانچه از مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و سایر مقررات ناظر به آن از جمله آئین‌نامه اجرائی موضوع ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۷۵/۲/۱۷ ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار<sup>(۲)</sup> صلاحیت نظارت و بازرسی وابستگان قوه قضاییه توسط سازمان بازرسی و نظارت و سازمان تعزیرات حکومتی استنتاج گردد، این امر ناسخ صلاحیت مراجع اختصاصی نخواهد بود و در این صورت برای یک عنوان کیفری یا تخلف انتظامی تحمیل دو مجازات توسط دو مرجع اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که این امر، خلاف عدل و انصاف و مغایر مقررات موجد حق برای افراد است. و یقیناً ساحت مقتن از وضع چنین حکمی بری است.

بنابر این مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصمیمات ستاد پشتیبانی برنامه تنظیم بازار، منصرف از دخالت و نظارت سازمانهای تعزیرات حکومتی بر نحوه ارائه خدمات توسط وکلاء، کارشناسان و مترجمان رسمی دادگستری و دفاتر استاد رسمی است و بازرسی و نظارت بر امور حرفه‌ای آنها و رسیدگی به تخلفات احتمالی اینان کماکان طبق مقررات مربوط و حسب مورد، به عهده مراجع صالح قضایی و مراجع انتظامی مربوط به این حرفه‌هاست.

پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- نظریه تفسیری شورای نگهبان، مجموع قوانین سال ۱۳۷۵، ص ۳۲۰.

۲- مجموع قوانین سال ۱۳۷۵، ص ۶۸.